

تعمیرسازید بلکه سرطایه داران وابسته به بیگانه را بسند  
 حکومت بلامقازع میرساند . در این شرایط سازمان  
 دانشجویان که متوجه مسأله بود در مقابل رفتارندم  
 شاه شماری بدین عضون مطرح کرد و آنرا بر سر در  
 دانشگاه آمیخت " اصلاحات ارضی بله " دیکتاتوری شاه  
 نه " و بدین ترتیب کمیته دانشگاه در جموع طرح  
 اصلاحات ارضی را که توسط رژیم وابسته به امپریالیسم  
 مطرح شده بود نفی کرد ، کمیته دانشگاه با طرح این  
 شمار نشان داد که با اصلاحات ارضی بشرطی که  
 توسط نیروهای ملی و مرفقی مطرح شود موافق است  
 ولی با اصلاحاتی که بطور غریبکارانه از طرف دیکتاتوری  
 شاه و بخاطر حفظ منافع امپریالیستها عنوان شود  
 این شمار در شرایطی طرح شد که بسیاری از گروه  
 های سیاسی در مقابل شمارهای غریبکارانه اصلاحات  
 ارضی خلع سلاح شده و عقب نشینی کرده بودند و تنها

سازمان دانشجویان بود که بدین ترتیب نقش خود را  
 بمشابه پیشروترین و انقلابی ترین نیروهای موجود ضد  
 رژیم نشان داد .

در سالهای ۴۱ و ۴۲ نیروهای خلق نیز بتدریج  
 با درك ماهیت انقلاب سفید شاه بر علیه رژیم یکتانوری  
 موضعگیری میکردند ولیکن حرکت مردم بعلمت فقدان  
 يك سازمان انقلابی منضبط و مستحکم در سطح جامعه  
 بدرستی سازمان نیافته بود و با آنکه حرکتی اسپیل  
 و تودهای بود به شکلی خود بخودی رو به اوج نهاد  
 و بالاخره در ۱۵ خرداد ۴۲ به صورت يك شورش عمومی  
 درآمد که توسط نیروهای سرکوب رژیم بخون کشیده  
 شد و سرکوب گردید و بدین سان ۱۵ خرداد بسبب  
 حماسهای خونین در تاریخ مبارزات خلق ما تبدیل  
 گردید .

در خرداد ۴۲ دانشجویان مبارز در جریان

تظاهرات خرد از ۲۴ فعالانه به «فوق مردم ملحق شدن» در روز ۱۰ خرداد تظاهراتی در مقابل دانشگاه تهران توسط دانشجویان صورت گرفت و شعاری که بخط بسیار درشت روی پارچه نوشته شد بود بر سردر اصلی دانشگاه تهران آویخته شد. مضمون این شعار اینچنین بود «شاه جلا و خون آشام خون خلق را می ریزد» و بدنبال آن دسته شاه معترض دانشجویان پرتاب سنگ بسوی ماشینهای صلح و تانکهای ارتش حمایت خود را از مردمیکه توسط واحد های نظامی سرکوب میشدند اعلام داشتند رژیم که با تبلیغات وسیع با «اطلاع» انقلاب سفید» را یک جریان مرفق معرفی میکرد از درگیری با دانشجویان در هراس بود زیرا میکوشید و انمود کند که نیروهای معترض که در سطح شهر دست به تظاهرات وسیعی زده بودند از عوامل مالکان و اربابانی هستند

که بر اثر الفای فتود الیسم به مخالفت با رژیم  
 برخاسته‌اند، از این روی از درگیری با دانشجویان  
 اجتناب میکرد زیرا برای همگان واضح بود که  
 دانشجویان نمیتوانند وابسته به مالکان و اربابان  
 باشند و بدین ترتیب چهره انقلاب سفید از پرده  
 بیرون می افتاد و ماهیت مزد خلی آن از مسان  
 آغاز کار آشکار میشد. ولی پیگیری دانشجویان در  
 حمایت از شورش شد و یکتاتوری مردم، رژیم را بسه  
 عکس العمل بر علیه دانشجویان وارد کرد و نیروهای  
 انتظامی در ساعت ۱۰ بعد از ظهر روز ۱۵ خرداد  
 عازم دانشگاه شده و با تیراندازی هوایی بمبوسی  
 دانشجویان صفوف ایشان را پراکنده ساختند در این  
 روز عده‌ای از مردم نظامی را که به مقابل دانشگاه  
 آمده بودند توسط نیروهای نظامی کشته و مجروح  
 شدند. آثار این جریان‌ها عده زیادی از دانشجویان

دستگیر و زندانی گردیدند و مبارزات دانشجویی موقتا  
رو به خاموشی نهاد .

بعد از این حوادث سازمان دانشجویان در شهریور  
۴۲ در رابطه با انتخابات دوره ۲۱ دست بفعالیتهایی  
بر علیه رژیم زد . در ۱۶ آذر همان سال مراسم ۱۶  
آذر ، "روز دانشجوی" در دانشگاه برگزار گردید که مورد  
حمله پلیس قرار گرفت . از آن پس تا شهریور ماه ۴۴  
سازمان دانشجویان مرفق بحیات سازمانی خود ادامه  
داد ، تشریح پیام دانشجوی توسط نیروهای چپ دانشگاه  
مرتبا منتشر میشد و ناشر افکار سیاسی مرفق در سطح  
دانشگاه بود . در این فاصله فعالیتهای صنفی  
دانشجویی با تأیید سازمان دانشجویان تحت عنوان  
لغو شهریه صورت میگرفت و سازمانهای صنفی که بطور  
مخفی از طرف سازمان دانشجویان هدایت میشدند  
بفعالیت ادامه میدادند . در سال ۴۴ فعالیتهای

سیاسی علنی با قطع انتشار پیام دانشجو بدنبال -  
 دستگیری اکثر کارهای مبارز دانشگاه خاتمه یافت ولی  
 فعالیتهای صنفی اوج بیشتری گرفت و سازمان جدیدی  
 یافت .

در سال ۴۶ تختی قهرمان محبوب ملت ایسران و  
 عضو جبهه ملی توسط سازمان امنیت شاه بشهادت رسید .  
 بدنبال این حادثه نیروهای صنفی دانشجوئی بحرکت  
 درآمدند و ماهیت شرقی و ضد رژیم خود را نمایان  
 ساختند بطوریکه مراسم سوم و شب هفت تختی مبارز  
 و قهرمان به تظاهرات پر شور و وسیعی بر علیه دولست  
 شاه خائن تبدیل گردید .

در این روزها دانشجویان با پخش وسیع اعلامیه  
 و دعوت مردم به شرکت در مراسم یاد بود تختی مدفوف  
 متعددی از مردم معترض را در خیابانهای جنوبی شهر  
 بوجود آوردند . مراسم یاد بود تختی قهرمان به یسک

اعتراض سیاسی بر علیه رژیم شاه تبدیل گردید و تأثیرات بسیار مفیدی در افزایش آگاهی مردم از خود بجای گذاشت. بدنبال این تظاهرات نیز عده بسیاری از دانشجویان به همراه مردم دستگیر و زندانی شدند و مدتی را در زنداتهای رژیم بسر بردند. و بدین ترتیب عوارضات سیاسی - اجتماعی در دانشگاهها رو به اوج نهاد بطوریکه دانشجویان ضمن تشکل در واحدهای مختلفی در شرایط مناسب دست به اعتراضات سیاسی بر علیه رژیم میزدند. در سال ۴۷ بدنبال جنسنگ ژوئن ۶۷ در خاور میانه و اشغال سرزمینهای عربی بدست اسرائیل دانشجویان بهمراتبی سایر مردم ایران نفرت خود را بر علیه رژیم متجاوز اسرائیل و صهیونیسم بین المللی و حاکم نزدیک آن دولت شاه اعلام داشتند بطوریکه در جریان مسابقات فوتبال بین تیمهای ایران و اسرائیل که در تهران برگزار میشد مردم و دانشجویان با فریادهای نابود باد اسرائیل و درود بر فلسطین

اعتراض شدید خود را به انجام این مصابقات کسه  
عیایست بخاطر خطردی با خلق عرب تحریم پیشه  
ایرازد اشتند . در جریان این تظاهراتات رفرتوایطائی  
اسرائیل ( ال عال ) توسط دانشجویان مورد حمله  
قرار گرفت و به آتش کشیده شد .

در اسفند ماه ۴۸ دولت شاه بلیط اتوبوسهای  
شرکت واحد را گران کرد و این امر موجب ناراحتی  
و اعتراض شدید مردم کم درآمد گردید و مقابلهائی  
در میان مردم در مقابل این برنامه ظاهر شد . دانشجو  
- یان که در این زمان از تشکل جنبشی خوبی برخوردار  
بودند بسرعت عکس العمل نشان داده و وارد میدان  
شدند . گروه های ضربت چند نفری دانشجویی برای  
اولین بار تشکیل شدند و به منظور اعتراض شدید به  
طرح گرانی بلیط اتوبوس اقدام به توقف کردن اتوبوسها  
نمودند . پس از اقدام فعال دانشجویان نیروهای  
پلیس ضد اغتشاش وارد میدان شده و خیابانهای اطراف



دانشگاه تهران را اشغال کردند و دانشجویان بسیا  
 تحرك باور نکردنی مناطق اطراف دانشگاه را تخلیه  
 کرده و در سطح شهر پراکنده شدند. گروههای  
 ضربت دانشجویی در نقاط مختلف شهر به اتوبوسها  
 حمله کرده، آنها را متوقف میکردند و پس از تخلیه  
 مسافرین شیشه های آنها با سنگ خورد کرده و در بعضی  
 موارد اتوبوسها را واژگون می نمودند. گروه های ضربت  
 دانشجویی در این حرکات به محض داخله پلیس  
 پراکنده شده و در نقطه دیگری جمع گشته و دست به  
 حمله مجدد میزدند و به این وسیله دامنه تظاهرات  
 را گسترش میدادند. این اولین بار بود که تاکتیکهای  
 مبارزات خیابانی از طرف نیروهای دانشجویی بکار  
 گرفته میشد. مردم از اقدام دانشجویان پیروی کرده  
 و در صفوف دانشجویان وارد تظاهرات بر علیه ایمن  
 طرح شدند. این جریان بسرعت اوج گرفت و تمامی  
 نقاط شهر سرایت کرد و يك جنبش عمومی بر علیه

دولت شاه بوجود آورد . در جریان تظاهرات هزاران  
 نفر از دانشجویان و دانش آموزان و مردم عادی دستگیر  
 و زندانی شدند ولی بالاخره پس از ۴ روز شاه مجبور  
 به عقب نشینی شد و قیمت بلیط اتوبوسها را روی نوبها  
 قلبی تثبیت کرد و زندانیان را آزاد نمود . با این همه  
 عده زیادی از بهترین نیروهای دانشجویی به سر باز  
 خانها روانه شدند و از تحصیل محروم گشتند ولی  
 بهر حال این پیروزی بزرگی برای جنبش دانشجویی  
 بود و در معرفی خواستههای مردمی و خلع شاه  
 یان به مردم بسیار مؤثر افتاد ، مردم تهران در ایسن  
 روز پیروزی ناشی از اتحاد و بصیرتی را تجربه کردند  
 و یک سدا مبارزات دانشجویان را مورد تأیید و تحسین  
 قرار دادند .

جنبش دانشجویی از آن پس بیشتر رنک سیاسی  
 بخود گرفت و فعالیتهای ضد رژیم و ضد امپریالیستی  
 در دانشگاهها افزایش یافت . بطوریکه در اردیبهشت

۴۹ هنگامیکه يك دسته از سناتورهای آمریکائی جهت بررسی زمینه های سرعایه گذاری به ایران آمدند، مؤسسات آمریکائی از طرف يك گروه پیشرو و مستشرقان دانشجویی مورد حمله قرار گرفتند در این جریان کانون دانشجویان وابسته به اداره اطلاعات آمریکا واقع در روسروی دانشگاه تهران و همچنین محل انجمن روابط فرهنگی ایران و آمریکا واقع در خیابان وصال شیرازی شدیداً آسیب دیده و سردر و پنجره های این مؤسسات توسط دانشجویان پیشرو کاملاً خراب شد. این يك عمل کاملاً سیاسی بر علیه تجسوزات سرعایه جهانی در ایران بشمار میآید و نشانه رشد سیاسی نیروهای پیشروی دانشگاه بود. بدنبال این حوادث نیز گروهی از دانشجویان مبارز دستگیر شده و به زندان کشیده شدند ولی دیگر دانشجویان پیشرو از دستگیری و زندان و بسریازی فرستاده شدن هیچگونه ابائی نداشتند، دانشجویان با آنکه کمی کامل نسبت به خشونت دشمن، در فعالیتهای

اعتراضی بر علیه دولت شاه وارد میشدند .

خسرونت پالیس در سال ۹۴ به شدت ادامه داشت

گذشته از دستگیریهای وسیع و بزند ان کشیدن دانشجو

میان پیشرو و به سر بازی فرستادن ایشان جنک رواتی

و تبلیغاتی بفرحطانهای از طرف رژیم بر علیه نیروهای

مبارز براه افتاده بود . برگزاری تعطیلات تبلیغاتی

راد یو تلویزیونی مرحله اوج گرفته این کار زارتبلیغاتی

بر علیه نیروهای پیشرو و بویژه دانشجویان مرقسی

و مبارز بشمار میرفت . عده های از وازدگان سیاسی و -

خیانتکاران به پشت در ورین تلویزیون آمده ، هر گونه

جنبش مبارزه جویانه خلق با را محکوم کرده و تخطئه

مینمودند . بدنبال پارسا ترا و پرویز نیکخواه خائن

در مقابل در ورین خیانت ظاهر شد . این دو تن

که از وابستگان و در دبران یک جریان سیاسی فرصت

طلب بنام " سازمان انقلابی حزب توده " بودند بسسه

محضر مواجه شدن با مشکلات و سختیهای مبارزه

انقلابی بسادگی دست از آرمان خود شستند و خود را به آغوش دولت شاه افکندند تا در فضای گرمی یکسره دیکتاتوری شاه به ایشان هدیه کرده بود به زندگی ننگین خود ادامه دهند .

خیانت آشکار افرادی چون پرویز نیکخواه که روزی جزو نیروهای شد رژیم محسوب میشدند يك ضربه روانی برای نیروهای مبارز بشمار میرفت ، دولت شاه در پائیز ۶۹ از این طریق برنامه جنگ روانی خود را به منظور کوبیدن هر نوع روحیه مبارزه بجویانه در صفوف خلق با آغاز کرد . بطوریکه در يك رشته برنامه های رادیو تلویزیونی از روی ماجراهای مربوط به فعالیت تشکیلات تهران حزب توده ، فعالیت تیمور بختیار ، فعالیت گروه های مخالف رژیم در خارج از کشور پسرده برداشت . در این تطیقات اسناد و مدارك و وسایل زیادی از طرف پرویز ثابتی مزدور مسروزی و سخنگوی سازمان امنیت به معرض دید عمومی گذاشته شد در

بان این برنامه همه مردم متوجه شدند که برنامه‌های  
 حزب توده ایران در داخل کشور توسط فردی بنام  
 عباسعلی شهریاری تژاد معروف به اسلامی و ملقب  
 به مرد هزارچهره، رهبری میشد، است با آنکه  
 سخنگوی امنیتی کوشید عباسعلی شهریاری را عضو  
 سازمان نسبت به فعالیت‌های سیاسی جا بزند همه  
 شهیدند که این عنصر از آغاز کار در خدمت سازمان  
 امنیت بوده است و فعالیت‌های حزب توده در ایران  
 در گذشته سال به توسط بنام شهریاری  
 توده از خارج کشور بلکه توسط مقامات امنیتی ایران  
 طرح ریزی میشده است و تمام کسانی که توسط رادیوی  
 پیک ایران به شرکت در فعالیت‌های حزب توده در  
 ایران دعوت شده و به این فعالیت‌ها پیوسته‌اند در  
حقیقت تحت نامارت سازمان امنیت به اسم ابراهیم مشهور  
 پیکر علی شهریاری تژاد بود و بخاطر در تاریخ  
 و اسناد به توسط پیک واحد از زندگان سازمان  
 با اعتماد شد.

مبارزه بر علیه رژیم بوده اند . همچنین ارائه اطلاعاتی  
 از فعالیتهای عد های از سازمانهای سیاسی خان از  
 کشور بویژه " سازمان انقلابی حزب توده " نشان میداد  
 که سازمان امنیت از طریق رهبران خائن دستگیر شده  
 این سازمانها در جریان فعالیتهای آنها قرار دارد .  
 بهر حال برگهای برنده مقامات امنیتی بر علیه نیروهای  
 مخالف رژیم مرتباً رو شده و با آب و تاب در محافل  
 تماشای عمومی گذاشته میشد . تمام دلایل و شواهد  
 در این جهت صحت گرفته بودند که نشان میداد مبارزه  
 سیاسی در ایران امکان عطفی ندارد و اگر کسی در مسیر  
 موضوعی بخواند با رژیم ایران مبارزه کند یا دستگیر  
 میشود و یا اینکه فعالیتهای تروریستهای شناسائی قرار  
 گرفته و عقیم میماند . کوششهای پر دامنه رژیم در  
 جهت اثبات این دروغ بزرگ که در ایران هیچگونه  
 امکان مبارزه بر علیه رژیم وجود ندارد تأثیر زیادی  
 از خود بجای گذاشته بود . این تأثیرات منفی نسه

فقط بخاطر قدرت رژیم بلکه عطا ناشی از ضعف  
 جریانات سیاسی موجود بود . زیرا سازمانهای سیاسی  
 مخالف رژیم در تئوری و عمل انقلابی ضعیف بودند  
 و هرگز نتوانستند یک تشکیلات منضبط و منظم سیاسی  
 بوجود آورند و علت این امر آن بود که جریانات  
 سیاسی موجود نه در عرصه عمل انقلابی در میان توده  
 ها بلکه در عیارات سالی و روشنفکرانه شکل گرفته  
 بودند و هیچگونه ارتباطی با عمل انقلابی نداشتند  
 و ضمیمی است که تئوری و عمل انقلابی در جریان  
 یک فعالیت خلاق بمنظور اعتلای مبارزات توده ها  
 رشد میکند نه در گفتگوهای محفل بدون ارتباط با  
 عمل .

بهر حال تبلیغات رژیم تأثیر خود را کرده بود  
 و مردم با ناباوری و بی اعتمادی به مبارزات سیاسی  
 مخالف رژیم نگاه میکردند زیرا تجارب عملی امدان سرد  
 گونه امیدواری را از ایشان سلب میکرد . حتی



نیروهای صدیق و پیشرو انقلابی از طرف مردم تخطئه  
 می‌شدند و به آنها اظهار میشد که شما نیز آیند های  
 بهتر از نیکخواه‌ها و پارسا نژاد‌ها ندارید . خفقان  
 و بی‌آس‌فضای سیاسی موجود جامعه را انباشته بسود  
 و دشمن سرمست و مفرور در حالیکه حتی روحیه‌های  
 مقاومت جویانه را تضعیف کرده بود ترکنازی می‌کرد  
 در چنین شرایطی نیاز مبرم به تغییر فضای سیاسی  
 مهین ما بیش از هر وقت دیگر احساس میشد و درست  
 در همین شرایط بود که عده‌ای از مبارزین راستین  
 بدور از تأثیرات منفی جنگ روانی دشمن در پایگاه-  
 های چریکی سلاحهای خود را برای آغاز مبارزه آماده  
 می‌کردند و با تصدیق بزرگ، مبارزهای واقعی، طولانی  
 و دشوار را بر علیه دشمنان خلق تدارک میدیدند .  
 در چنان شرایطی آغاز مبارزه دراز مدت مسلحانه  
 بر اساس اعطال تاکتیکهای تبلیغ مسلحانه تنها راه و-  
 درست‌ترین راه ادامه مبارزه بود که بالاخره این‌راه

در ۱۹ بهمن ۴۹ توسط پیشگامان دسته جنگ از -  
سازمان چریکهای فدائی خلق گشوده شد . راجی که  
تا پیروزی نهائی خلق ما بر دشمنان ادامه خواهد  
داشت .

## با جنبش دانشجویان دانشجوئی ایران ایرانی خان از شور آشنا شویم

از سال ۱۹۶۰ فعالیت عناصر وابسته به احزاب  
سیاسی و جبهه ملی ایران در اروپا به خاطر بوجود  
آوردن انجمنهای دانشجویی در شهرهای دانشگاهی  
اروپا و سررسمان دادن به وسیله محفلها و مجامع  
دانشجوئی که در برخی از شهرها از قبل بوجود  
آمده بودند شکل گرفت و در آلمان غربی و انگلستان  
به تشکیل فدراسیون دانشجویان ایرانی انجامید  
و پس از آن کنفدراسیون اروپائی دانشجویان ایرانی  
بوجود آمد. واحد های تشکیل دهنده کنفدراسیون  
اروپائی در این زمره عبارت بودند از فدراسیون  
دانشجویان ایرانی در آلمان غربی و برلین - فدراسیون  
دانشجویان ایرانی در بریتانیا و سازمانهای دانشجو  
یان ایرانی مقیم اطریش - اتحادیه فرانسه و

سازمان سوئیس ( لوزان ) .

در سال ۱۹۶۱ جلسه ای با شرکت‌های از-

فعالین در شهر نیاید لبرک ( آلمان غربی ) برگزار

شد تا مقدمات تشکیل يك کنگره وسیع دانشجویی را

تدارک ببیند . در آمریکا نیز فعالیت دانشجویان

مترقی موجب نفوذ در سازمان دانشجویان در آمریکا

که تا آن زمان تشکیلات آن توسط وابستگان به رژیم

ایران و مؤسسات آمریکائی اداره میشد گردید و

رهبری آن بدست گرفته شد . گوشه‌نشینیت در ایران

کنفدراسیون اروپائی که مرکز آن در لندن بود و مسئولیت

برگزاری اولین کنگره وسیع کنفدراسیون بعهدۀ او آداشته

شده بود و مقدماتی که در پیش‌کنگره نیاید لبرک فراهم

آمده بود منجر به تشکیل اولین کنگره فدراسیون در ژانویه

۱۹۶۲ در پاریس گردید .

در اولین کنگره علاوه بر شرکت نمایندگان سازمانها

دانشجویی از کشورهای آلمان غربی و انگلستان و اطریش

و فرانسه و سوئیس، نمایندگان سازمان سراسری ایالات  
 متحده آمریکا نیز شرکت داشتند. همچنین سازمان  
 دانشجویان دانشگاه تهران با اعلام عضویت خود  
 در کنفرانس یون به آن شکل خاص بخشید با تشکیل  
 این کنگره، کنفرانس یون موجودیت خود را رسماً  
 بنام "کنفرانس یون جهانی محصلین و دانشجویان  
 ایرانی" اعلام کرد. از جمله تصمیمات این کنگره  
 گسترش روابط بین المللی کنفرانس یون بود که بدنبال  
 این تصمیم کنفرانس یون جهانی کوششهای را برای  
 عضویت در اتحادیه بین المللی دانشجویان جهانی  
 ( I. U. S ) و سازمان بین المللی دانشجویان  
 ( کومک ) بنماید.

بعد از کنگره پاریس کنفرانس یون ارزیابی از بین  
 رفت و فرم تشکیلاتی ثوبی در سطح جهانی طرح  
 ریزی و پیاده شد. بعد از موفقیت کنگره پاریس و  
 تشکیل کنفرانس یون جهانی رژیم دیکتاتوری شاه برای

خفه کردن نطفهٔ فعالیت دانشجویان و جلوگیری از  
گسترش، مبارزات آنان اقدامات وسیعی را آغاز کرد  
و در بدو امر برای تحت فشار گذاشتن مسئولین  
کنفدراسیون از تعدید آدرنامه و نفر از افراد هیئت  
دبیران کنفدراسیون سرپاز زد تا بشیال خود بدین  
وسیله ترمزدردل دانشجویان انداخته و آنها را  
از پیوستن به کنفدراسیون بر حذر دارد. این امر  
موجب شد که اولین تظاهرات وسیع و پیاپی کنفدراسیون  
در سطح جهانی بوقوع بپیوندد. تظاهرات کبسه  
اشغال سفارتخانه ها و انصولگریهای رژیم در اروپا  
و امریکا منجر شد برای اولین بار قدرت کنفدراسیون  
جهانی و همبستگی دانشجویان را علیه رژیم شاه به  
نمایش گذاشت و کنفدراسیون از آن پس در سطح وسیعی  
شناخته شد و در مطبوعات و تلوزیونهای کشورهای  
جهان بعنوان یک نیروی جدید بحساب آمد.

رژیم که قصد داشت با عدم تعدید آدرنامه ها

دو نفر از اعضای هیئت دبیران کنفدراسیون را از  
 امریکا بیرون براند ، در مقابل این موفق وسیع مجبور  
 به عقب نشینی شد . این امر زمینه مساعدی برای  
 فعالیتهای آینده کنفدراسیون بوجود آورد . و انشجویان  
 یان مبارز را بهم نزدیک کرد و قدرتشان را به ثبوت  
 رسانید .

به دنبال این تظاهرات ، تظاهراتی علیه مسافرت  
 دکتر امینی ( نخست وزیر وقت ) به آلطان تظاهراتی  
 به پشتیبانی از مبارزات درون کشور علیه فرانسدم  
 قلابی شاه خائن به مناسبت " انقلاب سفید " تظاهرات  
 و اعتصاب غذای اعتراضی علیه دستگیری و محاکمه  
 مبارزان درون کشور و در آنها تظاهرات موفق دیگر موافق  
 مرقی کنفدراسیون را به جهانیان شناساند و در -  
 معرفی چهره منفور رژیم شاه به افکار عمومی کشورهای  
 اروپا و امریکا نقش مهمی ایفاء کرد .

در وانیه ۱۹۶۳ کنگره لوزان ( سوئیس ) با

شکوه تمام تحت عنوان "کنگره وحدت" تشکیل شده و در این کنگره نمایندگان دانشجویان دانشگاه تهران نیز شرکت کرده بودند. این نمایندگان شمار "اتحاد مبارزه - پیروزی" را برای نخستین بار به کنگره آوردند که تا امروز نیز بعنوان شمار اصلی کنگره راسیون جهانی باقی مانده است. در این کنگره کنگره راسیون دانشجویان ایرانی عضویت خود را در سازمان بین-المللی دانشجویان (کوسک) به تصویب رساند. \*

عضویت کنگره راسیون در سازمان بین المللی دانشجویان امکانات بیشتری را برای افشاء رژیم ایران در اختیار دانشجویان میهن پرست ایرانی میگذاشت و ضمناً

---

به سازمان بین المللی دانشجویان (کوسک) یک مجمع جهانی دانشجویی متعلق به غرب بپیاشد که اکثر سازمانهای ملی دانشجویی کشورهای جهان در آن - عضویت داشتند و مرکز آن در هلند بود.



به کنفد راسیون شناسائی جهانی میداد، بدین لحاظ بود که این عشویت مهم تلقی میشد .

کنگره سوم کنفد راسیون جهانی در ژانویه ۱۹۶۴

در لندن برگزار شد . در این کنگره هم تعیین شده

دانشگاه تهران شرکت داشت .

کنگره چهارم کنفد راسیون در ژانویه ۱۹۶۵

در کلن ( آلمان غربی ) برگزار شد . در این کنگره

سازمان زنان شرقی ایران در خارج از کشور موجودیت

خود را اعلام داشت و اولین کنگره خود را در جاسوار

کنگره کنفد راسیون برگزار کرد .

در سال ۱۹۶۵ واقعه کاخ مرمر و دستگیری

شرکت کنندگان آن که اعضای سابق کنفد راسیون بودند

موجب شد که کنفد راسیون با تمام امکاناتش بدفاع

پرداختد و وارد عمل شود ، این مسأله بطور غیر

منتظرهای در خط مشی کنفد راسیون اثر مثبت گذاشت

و نقطه عطفی در حیات کنفد راسیون گردید . واحد -

های کنفدراسیون وسعت گرفت و توده های دانشجو  
 بحرکت درآمدند و از اکثر امکانات خود علیه رژیم  
 استفاده کردند و انتشارات کنفدراسیون هر روز در سطح  
 بالاتری به افشاگری رژیم شاه من پرداخت و متحدین  
 جدیدی در گوشه و کنار جهان پیدا میگردند کنفدراسیون  
 در کشورهای اروپا و امریکا با خود را با افراد مرفعی  
 سازمانهای سیاسی و حقوقی و دانشگاهها و انجمنها  
 یان سراسر جهان گسترش داد و نقطه نظرهای  
 کنفدراسیون مورد پشتیبانی وکلای پارلمنتهای کشورهای  
 اروپایی قرار گرفت و جمعی برای همکاری پایه میدان  
 گذاشتند و مانند وکلای مجلس انگلستان ( جناح چپ  
 حزب کارگر ) ، ایتالیا - اسکاتلندی - سوئیس -  
 کنفدراسیون فورا به تشکیل کمیته های دفاع و -  
 همبستگی در سطح جهان دست زد . نویسندگان  
 و فلاسفه و شخصیتهای علمی مشهوری چون برتراند  
 راسل - ژان پل سارتر - گونار میردال - سیمون دو بووار

و . . . . . پشتیبانی خود را از خواستهای کنفدرال -  
 سیون اعلام داشتند و در کمیته های دفاعی شرکت  
 نمودند . قهرمانان مبارزه با فاشیسم در اروپا  
 ( بخصوص از کشور ایتالیا ) در کنار کنفدراسیون  
 قرار گرفتند و کنفدراسیون در شهرهای مختلف دست  
 به تظاهرات چند هزار نفری و اعتصاب غذای چند  
 صد نفری زد . در اعتصاب غذای مرکزی کنفدراسیون  
 که نمایندگان دانشجویان از کشورهای مختلف اروپا  
 شرکت داشتند بیش از صد نفر در انجمن طاعت ده روزه  
 اعتصاب غذای خود ادامه دادند تا دبیرکل سازمان  
 ملل متحد ( اوتانت ) را مجبور کردند از امکانات  
 خود برای تحقق خواستهای کنفدراسیون استفاده  
 نماید . اتحادیه های بزرگ کارگری و سازمانهای  
 مارکسیستی و کمونیستی از کشورهای فرانسه - بلژیک  
 ایتالیا - انگلستان و . . . . . روابط نزدیک با کنفدرال -  
 سیون برقرار کردند و پشتیبانی خود را اعلام نمودند

سندیکای بزرگی کارگران فرانسه T. S. C. ج. طی نامه  
 ای پشتیبانی خود را از خواسته‌های کنفدراسیون اعلام  
 داشت. مجمع حقوق‌آنان در مگرات، سازمان عفو  
 بین‌المللی، کانون بین‌المللی وکلای و دیگرها سازمان  
 و اتحادیه حقوقی و بین‌المللی برای کمک به کنفدراسیون  
 سیون جهانی پا به میدان گذاشتند.

از آن پس کنفدراسیون به این نتیجه رسید که با  
 قدرتی که بدست آورده و زمینه‌هایی که فراهم شده  
 میتواند بطور مطلوبی به زندانیان سیاسی ایران کمک  
 کند و از حقوق آنان دفاع نماید و از این طریق وظایف  
 خود را نسبت به جنبش مردم ایران ایفاء نماید. بدین  
 منظور از این تاریخ امر دفاع از زندانیان سیاسی  
 ایران در فعالیتهای کنفدراسیون وارد شد و جزو  
 خط‌مشی آن در آمد. ارگانهای تبلیغاتی و انتشاراتی  
 کنفدراسیون وسعت پیدا کردند که در این زمان  
 عبارت بودند از "آذر" ارگان تبلیغاتی کنفدراسیون.

سیون - " پیمان " ارگان دفاعی کنفدراسیون - " نامه  
پارس " ارگان تحقیقی کنفدراسیون ، ضوابط انتشارات  
افشاگرانه دیگری نیز توسط واحد نمای کشوری و شهری  
انتشار مییافت و در کشورهای مختلف ترجمه و پخش می شد

\*\*\*

شاه خائن در ماه مه ۱۹۶۷ برای اولین بار بعد  
از تشکیل کنگره کنفدراسیون قصد داشت به آلمان غربی  
سفر کند . فدراسیون دانشجویان ایرانی در آلمان  
که بزرگترین و قویترین واحد کشوری کنفدراسیون بود ،  
توانسته بود با فعالیت چندین ساله خود زمینه مساعدی  
برای مبارزه علیه رژیم شاه بوجود بیاورد و متحدینی در  
سطوح مختلف پیدا کند . شاه خائن تصمیم داشت با  
مسافرت به آلمان و دادن امتیازاتی به آن کشور جلوی  
فعالیت دانشجویان ایرانی را بگیرد ( این خواست  
شاه بعد از پایان مسافرتش فاش شد ) کنفدراسیون  
با برپا کردن بزرگترین و با شکوالتترین تظاهرات خود

افکار عمومی را متوجه سفر نوطئه آمیز شاه خانی نمود  
این تظاهرات را منتهای بسیار وسیع پیدا کرد و دانشجویان  
- یان شرقی آلمان و دانشجویان خارجی مقیم آلمان  
نیز در آن شرکت جستند برای محافظت جان شاه  
دولت امپریالیست آلمان به بزرگترین تدابیر امنیتی  
خود دست زد که تا امروز در آلمان بهیچوجه بوده و -  
هنوز روزنامه ها بعنوان يك نمونه از تسلط پلیسی از  
آن یاد میکنند . شاه خائن در آن روزها بهر کجا  
که میرفت با صفوف متشکل تظاهراتکنندگان ایرانی  
و خارجی مواجه میشد و با آنچه فرنگی و تخم مسرغ  
گندیده و شعار " مرگ بر شاه قاتل " از او استقبال  
بمصل میآمد . شاه در جواب خبرنگاران که علیه  
تظاهرات ایرانیها را که علیه او صورت میگرفت پرسیدند  
گفت که " کمونیزم بین الملل این تظاهرات را بسرا  
انداخته است " در روز دوم ژوئن ۱۹۶۷ تظاهرات  
علیه شاه با این خود رسید . شاه ز فرح برای بازید